

رَحِمَ اللهُ امْرَأً عَرَفَ قَدْرَهُ

سه شنبه، ۱۰ مارس ۲۰۱۵ ۰۸:۴۰ ب.ظ

جزء	تجزیه	ترکیب
رَحِمَ (۱)	فعل، ماضی، صیغه یک، معلوم، ثلاثی مجرد، صحیح و سالم، متعدی بنفسه، مبنی علی الفتح	فعل ماضی و فاعلش الله
اللهُ	اسم، معرفه به ال یا علمیت، مفرد، مذکر، جامد، معرب، صحیح الاخر، منصرف	فاعل و مرفوع
امرءٌ	اسم، مفرد، مذکر، نکره، جامد، معرب، صحیح الاخر، منصرف	مفعول به و منصوب
عرف (۲)	فعل، ماضی، صیغه ۱، صحیح و سالم، ثلاثی مجرد، معلوم، متعدی بنفسه، مبنی	فعل و فاعلش هو مستتر عائد به امرءٌ و کل جمله، وصف برای امرءٌ
قَدَرَ	اسم، مفرد، مذکر، جامد (۳)، نکره، معرب، صحیح الاخر، منصرف	مفعول به و منصوب
هُ	اسم، ضمیر مجروری، مفرد مذکر غایب، معرفه، مبنی، جامد	مضاف الیه

(۱) و سیط: (ص ۳۳۵)، بندریگی (ص ۷۲۰) در معنای اول لازم است اما چون در این جمله، مفعول به گرفته، معنای متعدی بنفسه باید در نظر گرفته شود.

رحم فلاناً: بر فلانی رحم کرد.

(۲) و سیط (ص ۵۹۵) عرف الشیء: ادراکه بحاسه من حواسه

(۳) با اینکه بر وزن فَعَلَ که یکی از اوزان صفت مشبیه است مییاشد اما جامد است.